



۲۰۱۸/۰۲/۰۷

دوکتور نوراحمد خالدی

انفجار مهیب در شهر کابل حل عاجل جنگ را در افغانستان یک مسئله حیاتی میسازد!

نظر به مشابهت حمله اخیر در شهر کابل، منطقه چهار راهی صدارت که منجر به کشته شدن ۱۰۳ نفر و زخمی شدن بیش از ۲۰۰ تن از اهالی مظلوم گردید، مضمون تحلیلی و ارزشمند محترم داکتر نور احمد خالدی که به تاریخ اول جون ۲۰۱۷ به مناسبت حمله ای در چهار راهی زنبق تحریر شده است؛ به خوانندگان محترم پیشکش مینماییم.

پیشگفتار:

دیروز انفجار بسیار مهیبی در کابل بوقوع پیوست که بیش از صد کشته و صدها زخمی از خود بجا گذاشته و خسارات هنگفت ببار آورده است. بدون شک طالبان با ادامه جنگ در افغانستان، مسئول درجه اول این عمل تروریستی هستند.

متأسفانه این عمل تروریستی به دو گروه فرصت داد تا به مغشوش ساختن اذهان عامه بکوشند. گروه اول دشمنان وحدت مردم افغانستان اند که میکوشند اقوام کشور را بجان هم اندازند. سکتاریستان قومپرست هیچ فرصتی را از دست ندادند تا زعامت پشتون در دولت را مورد ملامت قرار داده و متهم سازند و به اینصورت جنایتکاران اصلی طالب و داعش را تیرئه کرده به تکرار عمل شان ترغیب نمایند. مزید بر آن، با سواستفاده از خشم و شوک عامه، این افراد آشکارا مردم را به قیام تحریک کردند!

از جانب دیگر افراد نا آگاه و تحلیلگران آماتور و شکاک سیاسی و نظامی اند که از جهان پیچیده سیاستهای محلی، ملی، جهانی و منطقوی کشورها و سازمانها درک کودکانه، ساده لوحانه، و سیاه و سفید دارند. عده از اینها این عمل تروریستی را شکست پروسه صلح قلمداد کردند. عده دیگر تا جایی که مغشوش ساختن اذهان عامه جلو رفتند که این انفجار را، که قرار معلوم در داخل یک لاری تانکر جاه سازی شده بود، نتیجه پرتاب بمب یا فیر راکت توسط یک طیاره جنگی امریکایی قلمداد کردند! برای این افراد تمام اعمال شیطانیه دنیا توسط انگلستان و امریکا پلان و اجرا میگردد و ملتها و کشورها و احزاب و افراد در کشورهای جهان سوم هیچ صلاحیت و مسولیتی در سرنوشت خود ندارند!

به اهتمام ملالی نظام

نتیجه هر دو برداشت یکی است و آن انعکاس هرچه بزرگتر یک عمل تروریستی و جساختن اذهان عامه، و افزودن به خشم و غضب و دستپاچی مردم!

بدون هیچ شکی ضعف و عدم موثریت حکومت وحدت ملی یکی از دلایل تشدید وخامت اوضاع امنیتی و سیاسی در کشور است. این موضوع نیز در این مقاله بررسی شده است.

وضع موجود چگونه است؟

این انفجار به تعقیب، حادثه تروریستی شفاخانه سردار محمد داوود، حادثه فرقه دهادی مزارشریف و حادثه خوست، از خرابی بسیار ناگوار اوضاع امنیتی در کشور حکایت میکند. هر سال با آمدن فصل گرما در افغانستان و باز شدن راههای صعب العبور، جنگها بیشتر شده و اوضاع امنیتی خرابتر میگردد. بر اساس راپورهای رسمی مقامات امریکایی:

• نفوذ طالبان در دهات رو به افزایش است، در حدود ۴۰٪ واحدهای اداری محلی یا کاملاً تحت کنترل طالبان قرار دارند و یا در خطر نفوذ میباشند؛

((SIGAR), *Quarterly Report to the United States Congress* (Washington, DC: SIGAR, January ۳۰, ۲۰۱۷, p۹۰).)

• بر اساس احصاییه های ملل متحد بیش از ۱۱ هزار غیر نظامی در سال ۲۰۱۶ کشته شده اند.

(United Nations, February ۶, ۲۰۱۷)

• قوای امنیتی افغانستان نیز تلفات زیادی داده اند با ۶۷۸۵ کشته و بیش از ۱۱ هزار زخمی از ماه جنوری تا نوامبر سال ۲۰۱۶

(. ۹۸. (SIGAR, *Quarterly Report to the United States Congress*, ۹۸.)

• بر اساس راپور سیگار دولت افغانستان کمی بیشتر از ۶۰٪ نفوس و ساحه کشور را تحت کنترل خود دارد؛

• افزایش نفوذ طالبان ناشی از عوامل متعدد است: ضعف قدرت دولت در ولسوالیها و بخصوص در فراهم آوری خدمات به مردم، موجودیت و دسترسی به مناطق امن در خاک پاکستان، ضعف در امکانات جنگی قوای امنیتی ملی افغانستان بخصوص خارج از نیروهای خاص؛

• با آنها طالبان از تداوم کنترل خود بالای مناطق مطمئن نیستند؛

• حملات تروریستی بیشتر شده میرود؛

• داعش در صحنه امنیتی کشور ظهور کرده است؛

• در عین زمان، اختلافات جناحهای شامل دولت وحدت ملی همچنان موثریت دولت را محدود میکند؛

- اختلافات اشرف غنی و داکتر عبدالله بیشتر بالای تعیینات و مقرریهای مقامات بلند پایه دولت و گسترش سهم هرکدام در دولت میباشد تا تفاوتها در پالیسیهای دولت در مقابل نقش قوای خارجی و در معامله با پاکستان؛
- تعیینات و مقرریها همچنان بر پایه وابستگیهای فاسد قومی، حزبی، فامیلی، زبانی و سیاسی است تا شایستگی مسلکی؛
- مقامات بلند پایه دولتی آشکارا از داخل به مخالفت با سیاستها و برنامه های دولت خود ادامه میدهند؛
- با آنهم حمایت از این دولت بهتر از آینده نامعلوم پنداشته میشود؛
- رشد اقتصادی کشور بنابر خروج قسمت عمده نیروهای خارجی بطی شده است؛
- نیروها و احزاب سیاسی کشور به تقویت و تجدید آرایش خود بر مبنای خطوط قومی اقدام کرده اند؛
- روابط سیاسی با پاکستان در بدترین حالت آن قرار دارد؛
- هرگاه شرایط بالا بهبود نیابند، خطر تضعیف هرچه بیشتر دولت محسوس میگردد.

طرفین اصلی جنگ در افغانستان کدامها اند؟

رئیس جمهور محمد اشرف غنی در مراسم بزرگداشت از نهم حوت روز ملی نیروهای دفاعی و امنیتی اظهار داشتند که:

- "- دشمن اول این سرزمین گروه های تروریست و دهشتگری بنام طالبان، داعش و ۲۰ گروه دیگری هستند که با حمله به حریم زندگی مردم ما، می خواهند هستی و حیات این ملت را به تاراج بگذارند.
- دوم - قاچاقبرانی که بخاطر اهداف کثیف خود هم به امنیت کشور و هم به رونق اقتصادی آن ضربه میزنند و سرمایه های ملی را که یکایک فرزندان این کشور در آن سهم دارند به باد می دهند.
- سوم - مافیای مواد مخدر و دیگر حلقات مافیایی که بخاطر تداوم اقتصاد کثیف جرمی شان بار خیانت ملی را به دوش می کشند، دشمنان این سرزمین اند."

رئیس جمهور غنی طالبان، داعش و ۲۰ گروه افراطی دیگر را بطور واضح "گروههای تروریست و دهشتگر" نامید. این بذات خود یک قدم به پیش در جهت رفع ابهام در تعریف دوست و دشمن در افغانستان است.

طوریکه میبینیم جنگجویان متعددی با منافع متعددی در افغانستان فعال هستند. اما مهمترین طرف جنگ در افغانستان **جنبش طالبان** است که به بهانه اشغال افغانستان توسط قوای امریکایی در سال ۲۰۰۱ و موجودیت قوای خارجی از سال ۲۰۰۶ به اینطرف در یک جنگ تروریستی در مقابل دولت افغانستان قرار دارد. این ادامه جنگ توسط طالبان است که شرایط فعالیت سایر گروهها را فراهم میکند.

علل تشدید جنگ در افغانستان چه است؟

طوری‌که میدانیم معمولاً حوادث و پدیده‌ها محصول علل و منشاء متعددی بوده که حتی ظاهراً متضاد به نظر می‌خورند. حوادث مربوط به افغانستان و نقش بازیگران آنها را نیز نباید از مجرای یک علت و یک بعد ارزیابی کرد.

در خرابتر شدن اوضاع امنیتی در افغانستان چند موضوع را نباید نادیده گرفت:

۱. خروج نیروهای ناتو از کشور به خصوص از شمال کشور و هلمند خلای بزرگ امنیتی را در این مناطق به وجود آورد و شمال کشور نا امن گردیده و اوضاع امنیتی هلمند خرابتر شد؛
۲. از جانب دیگر نقش عملیات ضرب الغضب پاکستان را بر ضد طالبان پاکستانی نمیتوان نادیده گرفت؛
۳. ظهور داعش؛
۴. استفاده از طالبان در مقابله با تهدید داعش؛
۵. ابهام در سیاستهای امریکا در قبال مسئله جنگ و صلح در افغانستان؛
۶. سیاستهای دوگانه پاکستان در قبال افغانستان؛ و
۷. ضعف و عدم موثریت حکومت وحدت ملی.

۱ - خروج قوای ناتو:

در بحبوحه خروج قوای ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴ پاکستان به پیروزی قطعی طالبان دل بسته بود و از این رهگذر جنگها در کشور از سال ۲۰۱۴ به اینطرف اوج گرفته و شدید تر شده است.

اردوی پاکستان در طول حیات خود از گروههای افراطی مذهبی اول بر ضد هندوستان و متعاقباً بر ضد افغانستان استفاده کرده خاک خود را به مرکز تربیه و هدایت تروریسم بین المللی مبدل نمود. امروز رهبری جنبش طالبان در وجود شورای کویته در پاکستان موقعیت دارد و طالبان از مناطق امن در خاک پاکستان بر ضد افغانستان استفاده میکنند.

۲- عملیات ضرب الغضب پاکستان:

با شکست افراطیون در کشمیر و ایجاد بن بست در افغانستان، به تدریج خود پاکستان به عنوان لقمه چربتری برای اسلام افراطی بروز نمود و طالبان پاکستانی به تهدید مستقیم و جدی برای دولت و اردوی پاکستان عرض اندام کردند.

اردوی پاکستان با اجرای عملیات ضرب الغضب، از ماه جون سال ۲۰۱۴ به اینطرف، علاوه بر طالبان پاکستانی جنگجویان یوغور، تاجیک، چیچین و ازبک را از مناطق قبایلی همسرحد با افغانستان بداخل افغانستان راند. این جنگجویان، تعدادی با فامیلهای خود، به مناطق تحت کنترل طالبان در افغانستان پراکنده شدند، از جمله ولایات

شمالی همسرحد با کشورهای آسیای میانه از بدخشان تا فاریاب که روسیه آنها را حوزه امنیتی خود بشمار می آورد.

اردوی پاکستان دولت و بخصوص اداره امنیت ملی افغانستان را به حمایت از طالبان پاکستانی متهم میکند و چندین بار مناطق داخل خاک افغانستان را در کنرها مورد حملات راکتی خود قرار داده است. در حالیکه به تایید سفیر افغانستان در اسلام آباد دولت افغانستان تمام معلومات استخباراتی را در مورد طالبان پاکستانی در اختیار دولت پاکستان قرار داده و بعضی رهبران آنها را توقیف کرده است.

گفته میشود در ولایت بدخشان حدود ۵۰۰ جنگجوی خارجی اکثراً با فامیلهای شان مستقر شده اند که بیشترین آنها را تاجیکها تشکیل میدهند و به تعقیب آنها جنگجویان وابسته به جنبش اسلامی ازبکستان، چیچین ها و یوگور ها هستند.

باآنکه طالبان افغان با این جنگجویان در مناطق مورد کنترل خود همکاری میکنند و عملیات مشترک را با آنها بر ضد نیروهای امنیتی افغان اجرا میکنند اما آهسته آهسته اختلافات زیادی میان این دو گروه به میان آمده است. موضوع مهمتر این است که جنگجویان خارجی رفته رفته با داعش و آرمانهای آنان نزدیکتر میشوند که این خود موجب بروز اختلافات با طالبان محلی میگردد.

۳ - ظهور پدیده داعش:

طالبان پاکستانی و جنگجویان خارجی روزبروز بیشتر با آرمانهای ایجاد خلافت اسلامی داعش نزدیکتر میشوند. داعش با پیروزیهای برق آسا در غرب عراق و شرق سوریه تشکیل خلافت اسلامی را اعلان کرد که شامل ولایات حجاز، شام، مغرب، خراسان، حبشه، اندلوس، کردستان، عراق و غیره بود. خلافت خراسان از ایران در غرب تا میانمار در شرق و از قزاقستان در شمال تا جنوب نیمقاره هندوستان وسعت دارد. به تایید از مقامات امریکایی و روسی از دو سال به اینطرف داعش مصروف سربازگیری در افغانستان است.

در حقیقت جنبشهای "اخوانی" بستر طالبان امروزی و در نهایت داعش امروزی را هموار کردند. در افغانستان جنبشهای سیاسی اسلامی مانند، حزب اسلامی گلبدین و جمعیت ربانی سالها عرق ریختند اما جنبش بدوی اسلامی طالبان - که تمام ایدئولوژی آنها را برداشت عامیانه از اسلام و شریعت تشکیل میدهد و برای عامه مردم قابل فهم است - به سادگی و سرعت اعجاز آوری بدون جنگ همه آنها را از قندهار تا جلال آباد و کابل و هرات تا مزارشریف کنار زد و رژیم قرون وسطایی خود را ایجاد کردند.

رژیم طالبان در اوایل برای امریکا قابل قبول بود اما به تدریج مانع رسیدن آنها به اهداف اقتصادی آنها گردید.

ایجاد داعش تکامل جنبش های مجاهدین و طالبان به مرحله عالیتر ایجاد خلافت منطوقی اسلامی است. اگر ایجاد چنین رژیمی منافع غرب و اسرائیل را تامین کند، از آن حمایت خواهند کرد. اما از قرار معلوم ایجاد یک خلافت بسیار نیرومند اسلامی با منابع سرشار نفت که آسیای میانه و شرق میانه را در بر گیرد با منافع علیای غرب و اسرائیل مطابقت نخواهد داشت. بنابر آن با آن مخالفت وجود دارد.

همچنان آیا اردوی پاکستان حاضر است دولت مستقل خود را لغو کرده در یک خلافت اسلامی "خراسان" با افغانستان و آسیای میانه مدغم شود؟ به یقین که اردوی پاکستان چنین خیالی در سر نخواهد داشت. برای پاکستان داعش یک تهدید جدی است بخصوص که داعش خارج از کنترل استخبارات اردوی پاکستان ایجاد شده و در منطقه ریشه دوانیده و هژمونی اردوی پاکستان را با تهدید جدی روبرو کرده است.

بدون شک نفوذ روز افزون داعش در افغانستان سبب تشویش پاکستان، روسیه و چین شده است. در این هم شکی نیست که داعش تهدید جدی برای امنیت نه تنها این سه کشور بلکه افغانستان و تمام کشورهای منطقه منجمله ایران محسوب می‌گردد.

بی جهت نیست که جنرال حمید گل، این پدر معنوی گروه‌های تروریست ساکن پاکستان، در یک مصاحبه چند روز قبل از مرگ خود به اردوی پاکستان توصیه نمود تا از طالبان افغانستان برای جلوگیری از نفوذ داعش به پاکستان کمک بگیرند.

روسیه، با درک اختلافات میان طالبان و جنگجویان خارجی در شمال افغانستان، می‌خواهد از این مسئله برای جلوگیری از گسترش داعش در شمال افغانستان و بالاخره از نفوذ آنها به کشورهای آسیای میانه استفاده کند. اگر قرار باشد طالبان در مقابل نفوذ داعش به آسیای میانه سدی ایجاد کنند و در دولت آینده افغانستان نیز سهیم شوند بنابراین آن برقراری تماس‌های قبلی روسیه با طالبان کاملاً طبیعی جلوه مینماید.

کشف اخیر گداهای اسلحه ساخت ایران در سلاح‌کوتاهای مربوط به طالبان در بامیان و افشای سفرهای متعدد ملاختر منصور رهبر مقتول طالبان به ایران، از رویط بسیار نزدیک و گسترده دولت ایران نیز با طالبان حکایت میکند. چند ماه قبل یک هیات عالی‌رتبه طالبان به چین مسافرت کرده بود.

جنرال حمید گل فکر میکرد که داعش از طریق ایران و افغانستان به پاکستان نفوذ خواهد کرد. شواهد امروز خلاف آنرا نشان میدهد. حنیف اتمر مشاور ارشد امنیت ملی ریاست جمهوری افغانستان اخیراً تأیید کرد که داعشها از خاک پاکستان به ولایت ننگرهار نفوذ کرده و اتباع پاکستانی در زمره کشته شده گان داعش در آن ولایت بودند.

حمله بر شفاخانه سردار محمد داود خان را مرجع خبری داعش به عهده گرفت و نام‌ها و هویت ۵ تروریست را ذکر نمود که این خبر به تمام لسان‌های مشهور و رسانه‌های افغانی هم منتشر شد. "طالبان دست داشتن درین قضیه را رد کرده‌اند."

۴ - سیاست مقابله با داعش با استفاده از طالبان:

در عین زمان شواهد نشان میدهد که استراتژی حمایت از طالبان برای مقابله با داعش، قسمیکه از جانب جنرال حمید گل چند روز قبل از وفاتش مطرح شد، مورد تأیید اردوی پاکستان قرار گرفته است و این امر ناگزیر به دوام جنگ در افغانستان می‌انجامد. شاید هم عملیات ضرب‌العصب اردوی پاکستان و راندن جنگجویان خارجی از مناطق قبایلی به افغانستان ناشی از ترس پاکستان از نفوذ داعش در پاکستان توسط این جنگجویان بوده باشد.

به هر صورت نقش روسیه و پاکستان در تامین صلح در افغانستان و توافق با طالبان از اهمیت زیادی برخوردار است. دیپلوماسی دولت افغانستان باید شرایطی را ایجاد کند که بر اساس آن طالبان نباید احساس کنند که با حمایت روسیه و پاکستان میتوانند زمام امور دولت افغانستان را به عهده گیرند.

اینکه کنفرانس سه جانبه پاکستان، چین و روسیه در مسکو تصمیم گرفت تا از دولت افغانستان در نشست بعدی دعوت به عمل آورد نشانه خوبی بوده و دیپلوماسی دولت افغانستان باید فعالانه با سایر قدرت های منطقه در ایجاد یک تفاهم برای مقابله با داعش و کشاندن طالبان در جهت ختم جنگ و قبول یک مصالحه ملی و شراکت در دولت سعی کند. این چنین سیاست همین اکنون به کمک روسیه در مورد حل بحران سوریه در جریان است.

پایان قسمت اول

